

سیدهادی خسروشاهی

قرآن

قانون اساسی ما

... اخوان المسلمین در روز گاریکه نیرومندترین حزب اسلامی در مصر بود، صریحاً اعلام کرده بود که «قرآن، قانون اساسی ما» است. این شعار زنده و جاویدان موجب برشبهائی شده بود که در همان وقت استاد شیخ حسن الهضیبی رهبر کل جمعیت اخوان المسلمین در ضمن مقاله‌ای باین پرسشها پاسخ داد و نظریه اخوان المسلمین را در این زمینه در مقاله کوتاهی بیان داشت ... و اکنون ترجمه خلاصه همان مقاله با تصرفاتی که از طرف مترجم بعمل آمده از نظر شما میگذرد.

توضیحاً باید یاد آور شد که متأسفانه جمعیت اخوان المسلمین که عامل اصلی انقلاب مصر بود، پس از جوامعی از طرف شورای افسران! منحل گشت و گروهی از رهبران برجسته آن که از چهره‌ها و شخصیت‌های درخشان اسلامی بودند، اعدام شدند و استاد حسن الهضیبی نیز نخست محکوم با اعدام شد ولی بعداً لطف!! و مراحم! و تفقادات! افسران شامل حال وی شد و این مرد بزرگ بزندان ابد محکوم شد که ظاهراً هنوز هم در زندان قاهره بسر میبرد.

سخن روز ! :

در این ایام که همه جا سخن از قانون اساسی و هیئت تنظیم قانون اساسی و کیفیت اصول و مواد آنست ، مردم می پرسند که : مقصود «**اخوان المسلمین**» از جمله «**قرآن، قانون اساسی ما**» است چیست؟ ... میگوئیم : اصولاً رادوروش اخوان المسلمین ، رادوروش تازه و نوینی نیست ، بلکه راهیست که خداوند بزرگ مسلمانان را به پیمودن آن ، تا آخرین روزهای عمر بشر ، فرمان داده است : « باید دستهای از شما باشند که سوی نیکی بخوانند و به معروف وا دارند و از منکر بازدارند و آنها خود رستگارانند » (۱) .

و خداوند چنین خواسته که این مکتب در عصر ما ، در مصر بوجود آید و سپس ریشه های آن به همه سرزمینهای اسلامی برسد ؛ تا آنجا که دیگر امروز «**اخوان المسلمین**» نام جمعیت و هیئت خاصی در مصر نیست ، بلکه سبب و نشانه ای از نهضت فکری اسلامی خالص و پاکی بوده و بمثابة پرچم بر اهتزاز جنبش آزادبخش مسلمانان در سراسر روی زمین است . و چون این نهضت . بعزت دوری مسلمانان از اسلام و عدم پیروی کامل از دستورات و احکام آن ، با وضع فعلی کشور های اسلامی تطبیق نکرده و هماهنگ نیست ، دشمنان اسلام ، استعمارگران ، و نادانان بزرگ مسلمان نما! و استثمارچیان بمبارزه سختی علیه آن برخاسته اند و اهداف و مقاصد آنرا وارونه جلوه میدهند و بادروغ و تهمت چیزهای آثرا که در آن نیست ، بآن نسبت میدهند .

(۱) : ولتكن منكم امة يدعون الى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون

عن المنكر واولئك هم المفلحون . سوره آل عمران ؛ آیه ۱۰۴ .

آنها در این راه تا آنجا پیش رفته اند که بعضی از کسانی که از خارج آمده اند؛ بمن خبر دادند که روزنامه های خارجی، عکس عده ای را که ظاهراً در جنگ دستهای خود را از دست داده اند، چاپ کرده و در زیر آنها نوشته اند: در قاهره دستها را بخاطر دزدی، این چنین قطع میکنند! و همچنین بعضی از مخبرین جرائد خارجی بخود من گفتند که مردم در انگلستان خیال میکنند که اخوان المسلمین میگویند: باید همه مظاهر تمدن مادی را کنار گذاشت و یک زندگی بدوی قدیمی را در بیا بیا شروع کرد!...

روی این جهات خواستم توضیحی در باره شعار: **قرآن قانون اساسی ما است** بدهم و اجمالی از آنچه را که ممکن است قانون اساسی جدید از مواد مبانی قرآنی شامل گردد، در اینجا بیاورم.



قبل از شروع در مقصود اصلی، ضروری است بدانیم که قرآن مجید فقط شامل قوانین مربوط به معاملات و عبادات و مجازات (کیفرها) نیست. قرآن مجید دارای شش هزار آیه است که مجموع آیات مربوط با احکام از آن میان، بیش از پانصد آیه نمیشود و دانشمندان اسلامی بر اساس آن، فقهی را پایه گزاری کرده اند که جز در موارد کمی، با احکام و قوانین عصر جدید، اختلافی ندارند.

قرآن مجید برای تهذیب اخلاق و تزکیه دلها و اصلاح مجتمع از مفسد و آلودگیها و کاربخاطر رفع نیازمندیها و جلوگیری از همه جرائم و جنایات؛ قیام کرده است و عقوبات و کیفرهایی که در آن آمده در واقع کیفرهای قاطع و محکمی هستند که مردم را اگر در آنها تهذیب و پاکسازی اخلاق بوجود نیامد از بدکاری و زشتیها بازدارند.

بنا بر این هنگامیکه ما می‌خواهیم مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر خدا رفتار شود، فقط هدفمان این نیست که بصورت ظاهر احکام وارده در قرآن مجید بمورد اجرا گذاشته شود، بلکه می‌خواهیم که بطور کلی قرآن مجید بر نامه‌ای باشد که روش و سیر مادر تمام شئون زندگی مطابق آن باشد، و این ما را از هر گونه قانون اساسی دیگری بی‌نیاز می‌سازد؛ برای اینکه قرآن خود قانون اساسی کامل و جامعی است که هیچ چیز کوچک و بزرگ مورد نیاز برای تشکیل یک ملت و یک مجتمع را از نظر دور نداشته و هر کدام را بنوبه خود، خواه باجمال یا بتفصیل، شرح داده و برای اجتماع ما را باز گذاشته که مطابق اصول کلی آن و طبق اقتضای مصالحی که دارد، پیش برود.

آیا حکومت قرآن ضروری است؟

باید آیاتی را که صریحاً می‌گویند بکتاب خدا بر ما فرض و واجب است نقل کنیم و البته ما حق نداریم که آیات را بهیچ وجه من الوجوه، از طرف خود مورد تاویل و تفسیر قرار دهیم و هرگز بهانه‌ای که این آیات قابل تطبیق با شرائط و اوضاع روز نیست؛ مورد پذیرش نخواهد بود؛ زیرا شرائط و اوضاع را ما بوجود آورده ایم و باید آنرا تغییر دهیم.

نخست آیات قرآن را در این زمینه بخوانید:

«شما که ایمان دارید! خدا را فرمان برید و پیغمبر و اولی الامر خویش را فرمان برید، و چون در چیزی اختلاف کردید اگر بخدا و روز جزا ایمان دارید آنرا بخدا و پیغمبر ارجاع کنید که این بهتر و سرانجام آن خوبتر است» (۱).

(۱) : یا ایها الذین آمنوا، اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر

«وهمگی بریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید» (۱) .
 و «هر که نافرمانی خدا و پیغمبر وی کند و از حدود خدا تجاوز نماید ، او را بآتش در آرد که در آن جاودان باشد و عذابی خفت انگیز دارد» (۲)

و ما این کتاب را بحق بر تو نازل کرده ایم که مصدق و نگهبان آن کتاب است که پیش از آن بوده است ، میان آنها طبق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و هوسهایشان را (برای انحراف) از حکم حق که سوی تو آمده ، پیروی مکن ...» (۳)

و «تو را فرمان داده ایم - که میان آنها طبق آنچه خدا نازل کرده حکم کن ، هوسهایشان را پیروی مکن و از آنها بر حذر باش که از بعضی چیزها که خدا بتو نازل کرده منحرفت نکنند اگر پشت کردند بدان که خدا میخواهد - سزای - پاره ای گناهانشان را بآنها برساند و بسیاری از مردم ، عصیان پیشکانتند آیا حکم جاهلیت میخواهند ، کیست که حکم وی برای گروهی که یقین برنیده اند ، از حق حکم - خدا بهتر

→ منکم فان تنازعتم فی شئی فردوه الی الله والرسول ان کنتم تؤمنون بالله والیوم
 الآخر ذلك خیر و احسن تاویلا ، سورة نساء آیه ۵۹ .

(۱) : و اعصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا - آل عمران آیه ۱۰۳

(۲) : و من یعص الله ورسوله یتعد حدوده یدخله ناراً خالداً فیها وله

عذاب مهین . نساء آیه ۱۴ .

(۳) : و انزلنا الیک الكتاب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الكتاب و

مهیماً علیه فاحکم بینهم بما أنزل الله ولا تتبع أهوائهم عما جاءك من الحق -

مائدة آیه ۴۸ .

باشد « (۱) ، « چگونگی جز خدا داوری بجویم و اوست که این کتابرا جزء
بجزء بشما نازل کرده و کسانی که کتابشان داده ایم دانند که قرآن بحق
از پروردگار تو نازل شده ، پس بیچ وجه از دودلان مباش « (۲) .
و « این راه مستقیم من است ، پس پیرو آن شوید و براههای دیگر -
مروید که شمار از راه وی پراکنده کند ، اینهاست که خدا شما را بدان
سفارش کرده است ؛ شاید پرهیزکاری کنید « (۳)
و « این کتابی است ، پربرکت که نازلش کرده ایم پیرو آن شوید و
پرهیزکاری کنید ، شاید شما را رحمت کنند « (۴)
و « این کتابیست که بتو نازل شده در سینهات از - تبلیغ - آن ملال
نباشد ، تا بدان بیم دهی و اندرزی برای مؤمنان است . چیزی را که

(۱) : و ان احکم بینهم بما انزل الله ولا تتبع اهوائهم و احذرهم ان
یفتنوک عن بعض ما انزل الله الیک فان تولوا فاعلم انما یرید الله ان یریبهم
ببعض ذنوبهم وان کثیراً من الناس لفاستقون . افحکم الجاهلیة بینون ومن احسن
من الله حکماً لقوم یوقنون ، مائده آیه ۴۹ و ۵۰ .

(۲) : افیر الله ابنتی حکماً وهو الذی انزل الیک الکتاب مفصلاً والذین
آتیناهم الکتاب یعلمون انه منزل من ربک بالحق فلا تکونن من الممترین
سوره انعام آیه ۱۱۴ .

(۳) : وان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بکم
عن سبیله ذلکم وصاکم به لعلکم تتقون . انعام آیه ۱۵۳ .

(۴) : وهذا کتاب انزلناه مبارک فاتبعوه واتقوا الله لعلکم ترحمون
سوره انعام آیه ۱۵۵ .

از پروردگارتان بشما نازل شده ، پیروی کنید و جز آن پیرو دوستان
 مشوید، چه کمست اندرزی که میگیرید» (۱)
 و «هر کس طبق آیةهای منزل خدا- احکام الهی - حکم نکند ،
 آنها خودشان کفرانند» (۲) و «هر کس طبق احکام الهی حکم نکند ،
 آنها خودشان ستمگرانند (۳) و «هر کس به آنچه که خداوند نازل
 کرده حکم نکند ؛ آنان خودشان عصیان پیشه گانند» (۴)
 و «کسانی که مخالفت خدا و رسول وی کنند ، سر کوفته شوند
 چنانکه پیشینیا نشان نیز سر کوفته شدند و ما آیةهای روشن نازل کرده ایم
 و کفران عذابی خفت انگیز دارند» (۵) .

اینها آیات روشنی هستند که دلیل قاطع و آشکاری بر وجوب حکومت
 بآنچه که در قرآن آمده است ؛ بشمار میآیند و هرگز کسی نمیتواند

(۱) : کتاب انزل اليك فلا يكن في صدرك حرج منه لتنذر به و ذكرى

للمؤمنين . اتبعوا ما انزل اليكم من ربكم ولا تتبعوا من دونه اولياء قليلا

ما تذكرن . سورة اعراف آیه ۳۰۲ .

(۲) : ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الكافرون .

سوره مائده آیه ۴۴ .

(۳) : ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون .

سوره مائده آیه ۴۵ .

(۴) : ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الفاسقون .

سوره مائده آیه ۴۷ .

(۵) : ان الذين يحدون الله و رسوله كبتوا كما كبت الذين من قبلهم

وقد انزلنا آيات بينات وللكافرين عذاب مهين . سورة مجادله آیه ۵ .

برخلاف اینها چیزی بگوید ، مگر آنکه میخواهد راه کفر و ستم و فسق را بیماید و با خدا و پیامبرش بچنگ بپردازد و به زنجیر محکم الهی چنگ نزند و البته همچو آدمی از راه هدایت و رستگاری بهره ندارد .

احکام قرآن

احکامی را که در قرآن مجید آمده ، میتوان بچند قسمت تقسیم کرد :

(۱) - **عبادات** ، و آن چیزهاییست که خداوند برای ایجاد پیوند محکم بین خود و بندگانش آنها را تشریح کرده مانند : نماز ، روزه ، زکات ، صدقات ، حج و غیره ..

(۲) - **معاملات** ، و آن احکامی است که پیوند و ارتباط مردم را با یکدیگر ؛ منظم میسازد تا بر پایه عدالت و رحمت و تعاون و محبت و رفع وسائل ضرر و دشمنی و جلب خیر و منفعت برای همه ، استوار گردد . و این احکام بر دو نوع است .

معاملات مثبتیه ، مانند خرید و فروش ، اجاره ، رهن ، شرکت و غیره و این قوانین نوعاً همگانند و قوانین **عصیانجی** حاضر است ، مگر آنکه چیزی را خداوند حرام کرده باشد که در این صورت برای ابد حرام خواهد بود .

احوال شخصیه ، از قبیل ازدواج ، طلاق ؛ عده ، ثبوت نسب و غیره و در این قبیل مسائل مردم همه تابع دین خود خواهند بود و اگر کسی از پیروان ادیان دیگر بما رجوع کردند ، طبق حکم خداوند ، حکم خواهیم کرد .

(۳) - **عقوبات** (کیفرها) این احکام بخاطر حفظ زندگی و ناموس و مال مردم وضع شده تا مردم را تأدیب و تنبیه کند و آنها را از ارتکاب

جرایم بازدارد، مانند کیفر آدمکشی، دزدی، راهزنی، زنا، فحشاء و اهل فساد بودن و غیره که اینها را قصاص و حدود مینامند.

(۲) - احکامیکه رابطه بین حاکم و محکوم، ملت و دولت را تنظیم میکند و حقوق رئیس حکومت را نسبت بمردم، و حقوق مردم را نسبت به رئیس دولت و قوانین و بر نامه مشورت و شوری و عدالت و مساوات بین مردم را بیان میدارد...

و احکامیکه درباره جنگ و مبارزه و صلح و کیفیت روابط مسلمانان با بیگانگان و مسائل خارجی و بین المللی اسلامی، وضع و تشریح شده است.

معاملات

در باره معاملات مانند بیع و اجاره و رهن، مسیحیت قانون و بر نامه ای از خود ندارد، و از این رو اخذ و اطاعت از آنچه که در یک مجتمع اسلامی، اکثریت مصلحت خود را در آن می بینند، ضروری است و در واقع مسلمانان آنرا بعنوان دستور دینی می پذیرند و مسیحیان و صاحبان ادیان دیگر، بمثابة یک قانون... بر تال جامع علوم انسانی

و شاید برای مسیحیان نیز بهتر آن باشد که آنرا بعنوان دین بپذیرند؛ زیرا در این صورت از هر گونه خطا و لغزش و تزلزلی در امان خواهند بود و فقط در این شکل است که خدا را همیشه ناظر خود می بینند و فقط از زور حاکم نمی ترسند که ممکن است بنحوی از انحاء از قید آن فرار کرد!

و بطور کلی احکام معاملات در اسلام بر پایه عدالت و حق و انصاف استوار شد، که نمونه آن تحریم ربا و احیاء احکام از بین رفته ادیان آسمانی قبلی است.

احوال شخصیه

يك قسم از معاملات را از نظر اسلامی احوال شخصیه مینامند و آن احکامیست که در باره ازدواج، طلاق و مسائلی از این قبیل باشد. و البته هیچوقت قوانین اسلامی در باره این قبیل مسائل - در حق مسیحیان - اجرا نخواهد شد، بلکه آنها در این زمینها تابع دین خود خواهند بود و ما دستور داریم که آنها را در این قبیل مسائل بحال خود بگذاریم. مگر آنکه خود بخواهند که احکام اسلامی در باره آنها اجرا شود.

عقوبات

اما کیفرها ... بیشتر اعتراضها در باره کیفرهای اسلامی مربوط بریدن دست دزد و سنگسار کردن زن زناکار شوهر دار است. مادر جای خود ثابت کرده ایم که اصولاً دست دزد هنگامی بریده میشود که در تربیت و تعلیم او کوتاهی نشده باشد و خوراك و پوشاك و مسکن باندازه لازم باو داده شده باشد و از اینجاست که در تاریخ اسلامی ثبت نشده که بیش از دست شش نفر را بریده باشند و در هر صورت بزرگی کیفر خود مانع از تجاوز و تعدی است.

رتال جامع علوم انسانی

در مورد کیفر زنا هم باید گفت که هر گز آن شرائطی را که اسلام در اثبات زنا لازم دانسته - که چهار نفر شاهد عادل خود با چشم خود زناکار را در حال ارتکاب عمل دیده باشند - نمیتوان جمع کرد؛ و در واقع این کیفر کیفر تهدید آمیزی است که مردم اهمیت بزه و بزرگی کیفر را در صورت ارتکاب آن بدانند و مرتکب آن نشوند. و البته در صورت وقوع و ثبوت جرم هم اجرای حکم عادلانه است، زیرا این حکم در مجتمعی قابل اجراء تطبیق میشود که وسائل تربیت صحیح و اسباب زندگی و رفاه و آسایش مادی

واجتماعی فراهم شده باشد ،



در پشت حدود و کیفی‌هایی که در کتاب خدا و سنت پیامبر با آنها تصریح شده ، باب وسیع دیگری در این زمینه در اسلام وجود دارد که آنرا «تعزیر» مینامند و خوشبختانه فقهاء اسلامی در این باره بتفصیل بحث کرده‌اند که اگر کسی آنرا بررسی کند میداند که تاجه حدی غنی و پرمایه و دقیق است و همچنین با مقایسه آن با کیفی‌های مرسوم ، عادلانه بودن آنها را بیشتر درک میکند .

ما اگر این قوانین و کیفی‌ها را اجرا کنیم علاوه بر آنکه حکم خدا را اطاعت نموده ایم استقلال و عزت ذاتی خود را نیز حفظ کرده و این میراث بزرگ تاریخی را احیاء نموده ایم .

رابطه حاکم با محکوم .

چون وضع مواد قانون اساسی در باره روابط رئیس حکومت با ملت ، در کشورهای اسلامی مطابق روشهای ملل غربی است ، مسلمانان نادان خیال کرده‌اند که این مواد و قوانین چیز تازه و جدیدی هستند . در صورتیکه ما اگر همه مواد و قوانین مربوطه را از قرآن مجید و سنت پیامبر خدا اخذ کنیم خواهیم دید که قوانین مادر این زمینه نیز پیشرفته‌تر ، زنده‌تر ، و مترقی‌تر از دیگران است .

* در قانون ما معین شده که رئیس حکومت را ملت برای مدت معین یا غیر معینی انتخاب میکند ، ولی بشرط آنکه ملت همیشه در بررسی اعمال سیاسی و کارهای شخصی وی آزاد باشد ، بطوریکه بتواند در صورت لزوم او را در یک دادگاه ملی و عادی محاکمه کند و این حق ، از آن همه

افراد ملت است که اگر شکایتی از رئیس حکومت دارند شکایت خود را به دادگاه تسلیم کنند. در این موضوع کوچک و بزرگ از نظر اسلام اهمیت ندارد، آنچه که مهم است احیاء حق و حقیقت است.

✽ در قانون ماثبات شده که منبع همه احکام، اسلام است و قوانین اسلامی وسیع و قابل تطبیق با هر عصر و زمانی است و آنچه که قابل انطباق با اصول اسلامی باشد مورد پذیرش حکومت خواهد بود ولی هر چه که با اصول کلی و اساسی اسلام مغایرت پیدا کند، بیهیچوجه قابل عمل و قبول نخواهد بود.

✽ در قانون ما تصریح شده که تعلیمات دینی برای مردوزن لازم و ضروری است، اما یاد گرفتن علوم دیگر، واجب کفائی است، بهر اندازه که مجتمع اسلامی نیازمند علوم دیگر باشد، باید مسلمانان یاد بگیرند و اگر کوتاهی کردند، تقصیر آن بعهده همه آنها نیست که کوتاهی کرده اند.

✽ در قانون ما حقوق فقراء و نیازمندان، اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان، در کار؛ مسکن، خوراک و پوشاک ملحوظ شده و وظیفه حکومت است که همه گونه تسهیلات و امکانات مساعد را در این زمینه‌ها بوجود بیاورد.

✽ آزادی ادیان آسمانی دیگر و محترم بودن جان و مال و ناموس آنان در بلاد اسلامی، در سایه حکومت اسلامی، با شرائط مخصوصه، ضروری است.

✽ ✽ ✽

من در اینجا نمیخواهم همه مواد قانون اساسی اسلامی را مطرح سازم، این خود نیازمند بحث دیگری است، بلکه خواستم اشاره به بعضی

از مسائلی بکنم که مردم خیال میکنند اینها از کمیزات و مختصات زندگی معاصر است؛ در صورتیکه چنین نیست و اسلام قبلاً اصول و اساس آنرا استوار ساخته و اگر کسی از آن سرپیچی کند و آنرا ترک گوید، عصیانگر بوده و در پیشگاه الهی معاقب خواهد بود...

اساس، تربیت دینی است:

اشاره کردیم که اسلام بر پایه کیفرها استوار نیست، بلکه در حقیقت بر پایه تهذیب نفس و پاکسازی قلب استوار است. و در واقع هم تربیت صحیح عامل بوجود آمدن افرادیست که خیر و نیکی، تعاون و همکاری، مساوات و عدالت را دوست بدارند و از ارتکاب هر گونه عمل غیر قانونی خودداری کنند... و کیفرها فقط در مرحله نهائی و در صورت پیدایش موارد استثنائی در مجتمع اسلامی قابل اجرا خواهند بود. ما هنگامیکه حکومت قرآن را طلب میکنیم؛ در واقع خواستار اجرای همان احکام الهی هستیم که در ادیان آسمانی دیگر نیز قبلاً وجود داشته و مرحله کاملتر آن در اسلام آمده است. اسلام و ادیان دیگر همه خواستار فضیلت و دوری از رذیلت هستند. ظلم و ستم همیشه دوست چهل و نادانی است و تجاوز نوعاً ناشی از عدم آشنائی با واجبات و وظائف دینی است، پس باید شرائطی بوجود آید که مردم را از نظر دینی مهذب و پاک سازیم تا همه با هم هوا دار نیکی و درستی، خیر و فضیلت باشند.

البته وظیفه حکومت اسلامی است که این تعلیمات را بطور جدی در برنامه‌های مدارس ابتدائی و غیر ابتدائی، وارد سازد و در تربیت نسل با ایمان و وزنده‌ای بکوشد تا پاینده‌های يك مجتمع عالی و انسانی پی‌ریزی گردد.

کاملاً ضروری است که ما هدف و برنامه خود را برای مردم تشریح کنیم، راه و روش اسلام را نشان دهیم؛ مفهوم واقعی حکومت اسلامی، قانون اساسی آسمان را روشن سازیم تا همه بدانند که: راه اسلام، راه کار و کوشش، زندگی بهتر، روش خدائی و حکم، جنگ با بدیها و زشتیها، جهل و مرض، فقر و گرسنگی و دعوت بسوی پاکی و استقامت، خیر و رفاه عمومی است.

پایان

دانشجویان بخوانند

ارزش دانش

آفات دانشمندان

عن الصادق علیه السلام الخشية ميزان العلم ، والعلم شعاع المعرفة و قلب الايمان ومن حرم الخشية لا يكون عالماً وان شق الشعر في متشابهات العلم قال الله تعالى: انما يخشى الله من عباده العلماء وآفة العلماء ثمانية اشياء: الطمع . و البخل . و الرباء ، و العصبية و حب المدح . و الخوض فيما لم يصلوا الي حقيقته . و التكلف في تزيين الكلام بزوائد الالفاظ . و قلة الحياء من الله . و الافتخار . و ترك العمل بما علموا . -

مهجة البيضاء في احياء الاحياء - جلد اول كتاب العلم ص ۱ ۴